

اصطلاحات و تعاریف روانپزشکی

تفکر انتزاعی (abstract thinking)	بی ارادگی (abulia)
محاسبه پریشی (acalculia)	ارتفاع هراسی (acrophobia)
آدیادو کوکینزی (adiadochokinesia)	عاطفه (affect)
پرخاشگری (aggression)	آژیتاسیون (agitation)
آگورافوبی (agora phobia)	آکاتیژی یا (akathisia)
آلکسی تایمی (alexithymia)	دوسوگرایی (ambivalence)
بی حرکتی (akinesia)	فراموشی (amnesia)
بی رمقی (anergia)	فقدان لذت (anhedonia)
نام پریشی (anomia)	بی اشتها (anorexia)
ناتوانی در ادراک بیماری (anosognosia)	فراموشی پیش گستر (anterograde amnesia)
اضطراب (anxiety)	بی احساسی (apathy)
آفازی (aphasia)	آپراکسی (apraxia)
آتاکسی (ataxia)	توجه (attention)
توهم شنوایی (auditory hallucination)	تفکر اوتیستیک (autistic thinking)
هذیان های غریب (bizarre delusion)	انسداد (blockin)
عاطفه کند (blunted affect)	کاتالپسی (catalepsy)
کاتاپلکسی (cataplexy)	برانگیختگی کاتاتونیک (catatonic excitment)
وضعیت گیری کاتاتونیک (catatonic posturing)	ریژیدیتته کاتاتونیک (catatonic rigidity)
حاشیه پردازی (circumstantility)	تداعی صوتی (clang association)
تیرگی هشیاری (clouding of consciousness)	بریده گوئی (cluttering)
شناخت (cognition)	اغماء (coma)
توهم آمرانه (command hullucination)	وسواس عملی (compulsion)
تفکر عینی (concrete thinking)	افسانه سازی (confabulation)
کنفوزیون (confusion)	هشیاری (consciousness)
عاطفه درهم فشرده (constricted affect)	هرزه گوئی (coprolalia)
Deja Entendu	Deja Vu
	دلیر یوم (Delirium)

هذیان کنترل (delusion of control)	Deja Pense
هذیان بی وفائی (delusion of infidelity)	هذیان (delusion)
هذیان فقر (delusion of poverty)	هذیان بزرگ منشی (delusion of grandeny)
مسخ شخصیت (depersonalization)	هذیان گزند و آسیب (delusion of persecution)
از خط خارج شدن (derailment)	هذیان انتساب (delusion of persecution)
واقعیت گریزی (dereism)	افسردگی (depression)
اختلال موقعیت یابی (disorientation)	مسخ واقعیت (derealization)
دیز آرتری (dysarthria)	مهار گسیختگی (disinhuibition)
دیسفوری (dysphoria)	حواس پرتی (distractibility)
پژواک گوئی (echolalia)	دیسکینزی (dyskinesia)
اوفوری (euphoria)	دیتونی (dystonia)
شعف (exaltation)	سرخوشی (elation)
عاطفه سطحی (flat effect)	خلق طبیعی (euthyma)
توهم لمس حشره (formication)	ترس (fear)
توهم (hallucination)	پرش افکار (flight of idea)
پیش فعالی (hyperactivity)	بزرگ منشی (grandiosity)
گوش به زنگی (hypervigilance)	توهم لمسی (haptic hallucination)
توهم پس خوابی (hypnompic hallucination)	حدت حافظه (hyperamnesia)
عقاید انتساب (ideas of reference)	توهم پیش خوابی (hypnopompic hallucination)
ایلو زیون (illusion) خطاهای ادراکی	هیپومانیا (hypomania)
گسیختگی (incoherence)	تفکر غیر منطقی (illogical thinking)
بینش (insight)	عاطفه نامتناسب (inappropriate affect)
Jamais Vu	الحاق (icorporation)
بی تفاوتی زیبا (la belle indifference)	تحریک پذیری (irritability)
پر گوئی (logorrhea)	قضاوت (Judgement)
درشت بینی (macropsia)	عاطفه بی ثبات (labile affect)
مانیا (mania)	شل شدن تداعی ها (losening of associatoin)
حافظه (memory)	

تفکر سحر آمیز (magical thinking)	خلق (mood)
منریسم (mannerism)	هذیان هماهنگ با خلق ... (mood congruent)
ریزینی (micropsia)	توهم ناهماهنگ یا خلق
توهم هماهنگ با خلق ... (mood congruent)	منفی کاری (negativism)
هذیان ناهماهنگ با خلق	هذیان نیست انگاری (nihilistic delusion)
موتیسم (mutism)	توهم بویائی (olfactory hallucination)
واژه سازی (neologism)	عقیده پیش بهاء داده شده (overvalued idea)
وسواس فکری (obsession)	هذیان های پاراتوئید (paranoid delusions)
موقعیت یابی (orientation)	در جا زنی (perseveration)
پانیک (panic)	فشار گفتار (pressured speech)
پاراپراکسیس (parapraxis)	عاطفه محدود (restricted affect)
فوبی (phobia)	توهم جسمی (somatic delusion)
آزیتاسیون روانی - حرکتی ... (psychomotor)	استریوتایپی (stereotypy)
فراموشی پس گستر (retrograde amnesia)	اندیشه خود کشی (Suicidal ideation)
هذیان جسمی (somatic hallucination)	پخش فکر (thought broadcasting)
استوپور (stupor)	کاشت فکر (thought insertion)
تفکر مماسی (tangentiality)	تیک (tic)
اختلال تفکر (thought disorder)	نشانه های نباتی (vegetative signs)
برداشت فکر (thought disorder)	توهم بینائی (visual hallucination)
خلسه (trance)	سالاد کلمه (word salad)
مکرر گوئی مرضی (verbigeration)	
انعطاف پذیری مومی شکل (way flexibility)	

📖 تفکر انتزاعی (abstract thinking)

تفکری که با توانائی درک جزئیات یک کل تقسیم یک کل به اجزاء آن و تشخیص خصوصیات کلی مشخص می شود تفکر نمادین

📖 بی ارادگی (abulia)

کاهش تکانه در فکر یا عمل (مثلاً فقدان آرزو) به همراه بی تفاوتی به پیامدهای عمل در نتیجه نقص نورولوژیک، افسردگی، واسکیزوفرنی رخ می دهد .

📖 محاسبه پریشی (acalculia)

فقدان توانایی انجام محاسبات که به دلیل اضطراب یا اختلال تمرکز به وجود نیامده باشد. یا نقص نورولوژیک و اختلال یادگیری رخ می دهد .

📖 ارتفاع هراسی (acrophobia)

وحشت از مکان های مرتفع

📖 آدیادوکو کینزی (adiadochokinesia)

ناتوانی در انجام حرکات سریع متناوب در نتیجه نقص نورولوژیک و ضایعه مخچه ای رخ می دهد .

📖 عاطفه (affect)

تجربه قوی و ذهنی هیجان که با عقیدهای بارنمایی ذهنی ابزارها همراه است. عاطفه تظاهرات بیرونی دارد که ممکن است بحث عنوان های محدود کند. سطحی، بی ثبات، یا نامتناسب طبقه بندی بشوند. به اصطلاح خلق نیز مراجعه کنید .

📖 پرخاشگری (aggression)

عمل هدفمند و نیرومندی که ممکن است کلامی یا فیزیکی باشد. همتای حرکتی عاطفه خشم، عصبانیت، و خصومت می باشد. دو نقص نورویولوژیک، اختلال لوب تمبوزال، اختلالات کنترل تکانه، مانیا، و اسکیزوفرنی مشاهده می شود .

📖 آژیناسیون (agitation)

اضطراب شدید به همراه بی قراری حرکتی

📖 آگورافوبی (agora phobia)

ترس مرضی از مکان های باز یا ترس از ترک محل آشنای خانه. ممکن است به همراه حملات پانیک یا بدون آن ظاهر شود .

📖 آکاتیژیا (akathisia)

احساس ذهنی، بی قراری حرکتی که با نیاز قابل توجه به حرکت دائم تظاهر می کند، ممکن است به عنوان عوارض خارج هرمی داروهای آنتی پسیکوتیک مشاهده شود. ممکن است با آژیناسیون پسیکوتیک اشتباه شود .

📖 آلکسی تایمی (alexithymia)

ناتوانی در توصیف یا آگاهی از هیجان با خلق های خود؛ با شرح خیال پردازی مرتبط با افسردگی، سوء مصرف مواد، و اختلال استرس پس از تروما

📖 دوسوگرایی (ambivalence)

وجود همزمان دو تکانه متضاد در مورد یک چیز با شخص معین در یک زمان معین. در اسکیزوفرنی، حالات مرزی، و اختلال وسواس فکری - عملی دیده می شود .

❏ بی حرکتی (akinesia)

فقدان حرکت جسمی مانند بی حرکتی بسیار شدید در اسکیزوفرنی کاتاتونیک. همچنین ممکن است به عنوان عارضه خارج هر می داروهای آنتی‌پسپیکوتیک رخ دهد .

❏ فراموشی (amnesia)

ناتوانی نسبی یا کامل برای یادآوری تجارب گذشته ممکن است در اصل ارگانیک (اختلال فراموشی) یا هیجانی (فراموشی تجزیه‌ای) باشد .

❏ بی رمقی (anergia)

فقدان انرژی

❏ فقدان لذت (anhedonia)

فقدان علاقه‌مندی و ترک اعمالی که طبیعتاً لذت بخش است. معمولاً مرتبط با افسردگی می باشد .

❏ نام‌پریشی (anomia)

ناتوانی در یادآوری نام اشیاء

❏ بی اشتها (anorexia)

فقدان یا کاهش اشتها. در بی‌اشتهایی عصبی، ممکن است اشتها وجود داشته باشد، اما بیمار از خوردن امتناع کند .

❏ ناتوانی در ادراک بیماری (anosognosia)

ناتوانی در شناسایی نقص جسمی در خود (مثلاً بیمار فلج اندام خود را انکار می کند .).

❏ فراموشی پیش‌گستر (anterograde amnesia)

از دست دادن خاطره برای رخدادها که متعاقب شروع آمیزی ایجاد می‌شود. پس از سانحه شایع است با فراموشی پس‌گستر مقایسه کنید .

❏ اضطراب (anxiety)

احساس بی‌می که به علت انتظار خطر به وجود می‌آید که ممکن است درونی یا بیرونی باشد .

❏ بی‌احساسی (apathy)

حالت هیجانی گرفته و مرتبط با سردی و بی تفاوتی در انواع معین اسکیزوفرنی یا افسردگی دیده می‌شود .

❏ آفازی (aphasia)

هرگونه اختلال در فهم یا بیان زبان که به دلیل اختلال مراکز مغزی به وجود می‌آید. برای انواع آفازی به اصطلاحات خاص آنها مراجعه کنید .

❏ آپراکسی (apraxia)

ناتوانی از انجام فعالیت ارادی، هدفدار؛ که با فلج یا سایر آسیب‌های حسی یا حرکتی قابل توضیح نباشد. در آپراکسی ساختاری، بیمار قادر به کشیدن اشکال دو یا سه‌بعدی نمی‌باشد .

❏ آتاکسی (ataxia)

فقدان هماهنگ‌سازی جسمی یا ذهنی

۱. در نورولوژی به فقدان هماهنگی عضلانی اشاره می‌کند.
۲. در روانپزشکی، اصطلاحاً آتاکسی درون - روانی (intrapyschic ataxia) به فقدان هماهنگی بین احساسات و افکار اشاره می‌کند. در اسکیزوفرنی و اختلال وسواس فکری - عملی شدید دیده می‌شود.

❏ توجه (attention)

تمرکز؛ جنبه‌ای از هوشیاری که در ارتباط با میزان تلاش به کار برده شده در توجه به جنبه‌های مشخص، یک تجربه، فعالیت، یا وظیفه می‌باشد. و معمولاً در اضطراب یا اختلالات افسردگی آسیب می‌بیند.

❏ توهم شنوایی (auditory hallucination)

ادراک غلط صوت، معمولاً صدای انسان؛ اما به شکل سایر اصوات مانند موسیقی نیز ممکن است باشد. شایع‌ترین توهم در اختلالات روانی می‌باشد.

❏ تفکر اوتیستیک (autistic thinking)

تفکری که افکار بیشتر خودشیفته و خودمدارانه است، با تأکید بر ذهنیت تا عینیت و بدون توجه به واقعیت، هم معنای اصطلاحات اوتیسم یا واقعیت‌گریزی (dereism) است. در اسکیزوفرنی و اختلال اوتیستیک دیده می‌شود.

❏ هذیان‌های غریب (bizarre delusion)

عقیده نادرستی که آشکاراً محال یا عجیب و غریب می‌باشند (مثلاً مهاجمین فضائی الکترودها را در مغز شخص کار می‌گذارند). در اسکیزوفرنی شایع است. در هذیان‌های غیرغریب، محتوای هذیان معمولاً در حوزه امکان می‌باشد.

❏ انسداد (blockin)

توقف ناگهانی جریان تفکر قبل از اینکه فکر یا عقیده به پایان برسد. پس از مکثی کوتاه شخص از آنچه که مورد بحث بود یا قرار بود مورد بحث واقع شود، چیزی به خاطر نمی‌آورد (محرومیت فکر نیز گفته می‌شود). در اسکیزوفرنی و اضطراب شدید شایع است.

❏ عاطفه کند (blunted affect)

اختلالی در عاطفه که تظاهر آن به صورت کاهش شدید در برونی‌سازی احساسات است این حالت چنانکه اویگن بلویلر مطرح کرده است. یکی از نشانه‌های اساسی در اسکیزوفرنی می‌باشد.

❏ کاتالپسی (cataplexy)

اختلالی که در آن فرد در همان وضع بدنی که قرار گرفته باقی می‌ماند. در موارد شدید اسکیزوفرنی کاتاتونیک مشاهده می‌شود. به آن انعطاف‌پذیری مومی شکل نیز می‌گویند.

❏ کاتاپلکسی (cataplexy)

از دست دادن موقتی تون عضلانی که موجب ضعف و بی‌حرکتی می‌شود؛ می‌تواند تحت تأثیر حالات هیجانی مختلف به وجود آید و متعاقب آن شخص به خواب می‌رود. عموماً در نارکولپسی دیده می‌شود^۱.

📌 برانگیختگی کاتاتونیک (catatonic excitment)

فعالیت حرکتی کنترل نشده و برانگیخته که در اسکیزوفرنی کاتاتونیک مشاهده می‌شود. بیمار در حالت کاتاتونیک ممکن است ناگهان حالت برانگیخته انفجاری یابد و خشن شود .

📌 وضعیت گیری کاتاتونیک (catatonic posturing)

گرفتن وضعیت بدنی غیرعادی و نامتناسب ارادی که معمولاً برای مدت طولانی حفظ می‌شود. ممکن است به صورت غیرقابل انتظار به برانگیختگی کاتاتونیک تغییر کند .

📌 ریژیدیت کاتاتونیک (catatonic rigidity)

وضعیت ثابت و مداوم حرکتی که نسبت به تغییر مقاوم است .

📌 حاشیه پردازی (circumstantility)

اختلال در تفکر تداعی گرا و فرآیند تکلم که بیمار قبل از گفتن عقیده اصلی به صحبت‌های غیرضروری و افکار نامتناسب کشیده می‌شود. در اسکیزوفرنی، اختلالات وسواس فکری، و موارد معینی از دمانس مشاهده می‌شود .

📌 تداعی صوتی (clang association)

تداعی یا تکلمی که با صدای لغات مرتبط است و به معنی آن کلمات ارتباط منطقی با هم ندارند، ممکن است قافیه سازی و جناس یا ابهام بر رفتار کلامی مسلط باشد. اکثراً در اسکیزوفرنی یا مانیا مشاهده می‌شود .

📌 تیرگی هشیاری (clouding of consiousness)

هر اختلال هشیاری که در آن شخص کاملاً بیمار، هشیار و دارای موقعیت یابی سالم نیست. در دلیریوم، دمانس و اختلال شناختی رخ می‌دهد .

📌 بریده گوئی (cluttering)

اختلال در روانی کلام شامل نابهنجاری ادای سریع و ناموزون کلمات که تکلم را غیرقابل فهم می‌کند. شخص مبتلا معمولاً از آسیب ارتباطی خود ناآگاه است .

📌 شناخت (cognition)

فرآیند ذهنی دانستن و آگاه شدن، این عملکرد ارتباط نزدیکی با قضاوت دارد .

📌 اغماء (coma)

حالت عمیق ناهشیاری که شخص نمی‌تواند بیدار شود، به همراه پاسخ‌دهی مختصر یا ناآشکار به محرک، در آسیب یا اختلال مغزی، اختلالات سیستمیک مانند کتواسیدوز دیابتی و اورمی، و در مسمومیت با الکل و سایر داروها دیده می‌شود. اغماء ممکن است در حالات شدید کاتاتونیک و اختلال تبدیلی نیز رخ دهد .

📌 توهم آمرانه (command hullucination)

ادراک غلط به صورت دستوراتی که شخص ممکن است احساس کند که مجبور به اطاعت است یا قادر به مقاومت نیست .

📖 وسواس عملی (compulsion)

نیاز بیمارگونه برای به انجام رساندن یک تکانه، که اگر مقاومت شود ایجاد اضطراب می‌نماید؛ رفتار تکراری در واکنش به یک فکر وسواسی، یا انجام آن طبق آداب خاص، که به خودی خود هدفی ندارد، مگر جلوگیری از وقوع اتفاقی در آینده .

📖 تفکر عینی (concrete thinking)

تفکری که با رویدادها و اشیاء واقعی و تجزیه فوری مشخص می‌گردد و نه با انتزاعات. در کودکان، افرادی که توانایی تعمیم دادن آنها از بین رفته یا هرگز رشد نکرده باشد (چنانکه در اختلالات روانی - شناختی خاص وجود دارد)، و اشخاص اسکیزوفرنیک دیده می‌شود. آن را با تفکر انتزاعی (abstract thinking) مقایسه کنید .

📖 افسانه‌سازی (confabulation)

پر کردن ناخودآگاه شکاف‌های حافظه یا تجارب یا رخدادهای خیالی که واقعی ندارند. معمولاً در سندرم‌های فراموشی مشاهده می‌شود، و باید از دروغ‌گویی متمایز شود. به قسمت تحریف حافظه نیز مراجعه کنید .

📖 کنفوزیون (confusion)

اختلال در هوشیاری به صورت اختلال موفقیت‌یابی در ارتباط با زمان، مکان یا شخص

📖 هشیاری (consciousness)

حالت آگاهی، یا پاسخ به محرک بیرونی

📖 عاطفه درهم‌فشرده (constricted affect)

کاهش شدت احساس به درجاتی کمتر از عاطفه کند

📖 هرزه‌گویی (coprolalia)

ادای جبری کلمات زشت و وقیح در بعضی از موارد اسکیزوفرنی و اختلال تورت دیده می‌شود^{۱)}

📖 Deja Entendu

Deja Entendu خطائی که در آن شخص احساس می‌کند چیزی را که می‌شنود قبلاً شنیده است .

📖 Deja Vu

Deja Vu هذیان شناخت بصری که در آن موقعیت تازه اشتهاً تکرار تجربه‌ای قبلی تلقی می‌شود .

📖 Deja Pense

Deja Pense اختلالی که در آن فکری تازه تکرار فکری که قبلاً تجربه شده است تلقی می‌شود .

📖 دلیریوم (Delirium)

اختلال روانی حاد بازگشت‌پذیری که با کنفوزیون و آسیب‌هایی در هشیاری مشخص می‌شود معمولاً مرتبط با بی‌ثباتی هیجانی، توهمات، یا هذیان‌ها و رفتار نامتناسب، تکانشی، نامعقول یا غیرعادی می‌باشد .

📌 هذیان (delusion)

باور غلطی که بر استنباط نادرست شخص از واقعیت برونی متکی است و به‌رغم دلایل یا شواهد بدیهی و عینی و به‌رغم سایر افراد در این باور سهیم نمی‌باشند، به‌طور ثابت حفظ می‌شود.

📌 هذیان کنترل (delusion of control)

باور غلطی مبنی بر اینکه اراده، افکار و احساسات شخص به‌وسیله نیروهای خارجی کنترل می‌شود.

📌 هذیان بزرگ‌منشی (delusion of grandeny)

برداشت مبالغه‌آمیز از اهمیت، قدرت یا هویت شخصی

📌 هذیان بی‌وفائی (delusion of infidelity)

باور غلطی مبنی بر بی‌وفائی شخص مورد علاقه به‌نام احساسات بیمارگونه (pathological jealousy) نیز مشهور است.

📌 هذیان گزند و آسیب (delusion of persecution)

عقیده باطل مبنی بر اینکه شخص مورد اذیت و آزار و گزند واقع شده است، بیشتر در بیماران مراغه‌جو دیده می‌شود که تمایل بیمارگونه برای اقدامات قانونی در مقابل آزار و اذیت خیالی دارند. شایع‌ترین هذیان است.

📌 هذیان فقر (delusion of poverty)

باوری غلط مبنی بر اینکه شخص تمام دارائی‌هایش را از دست می‌دهد.

📌 هذیان انتساب (delusion of persecution)

باوری غلط مبنی بر اینکه رفتار دیگران به او ارتباط و اشاره دارد، یا برای فرد اتفاقات موضوع‌ها، یا افراد دیگر اهمیتی ویژه و غیرعادی و معمولاً منفی دارند از باور انتساب مشتق می‌شود که در آن شخص تصور می‌کند دیگران درباره او صحبت می‌کنند (مثلاً افرادی که در رادیو یا تلویزیون هستند، در رابطه با او یا با او صحبت می‌کنند).

📌 مسخ شخصیت (depersonalization)

احساس غیرواقعی درباره خود، قسمت‌هایی از بدن، یا محیط خود که در اثر استرس یا خستگی شدید رخ می‌دهد در اسکیزوفرنی، اختلال مسخ شخصیت و اختلال شخصیت اسکیزوتایپال مشاهده می‌شود.

📌 افسردگی (depression)

حالت روانی که مشخصه آن احساس غمگینی، تنهایی، ناامیدی، اعتماد به نفس پائین، و سرزنش خود به همراه علائمی شامل کندی روانی - حرکتی یا گاه آژیتاسیون، کناره‌گیری از ارتباط‌های بین‌فردی و نشانه‌های نباتی مانند بی‌خوابی و بی‌اشتهائی مشخص می‌شود. این اصطلاح اشاره یا به نوع خلق فرد یا یک اختلال خلقی دارد.

📌 از خط خارج شدن (derailment)

انحراف تدریجی یا ناگهانی جریان تفکر بدون انسداد، گاهی به‌عنوان مترادف شل شدن تداعی‌ها به‌کار برده می‌شود.

📌 مسخ واقعیت (derealization)

احساس تغییر واقعیت یا اینکه محیط شخص تغییر کرده است. معمولاً در اسکیزوفرنی، حملات پانیک، و اختلالات تجربه‌ای مشاهده می‌شود.

📌 واقعیت‌گریزی (dereism)

فعالیت روانی که از سیستم منطق غیرعادی و فرد ویژه (ایدئوسنکراتیک) پیروی می‌کند و مراتب واقعیت یا تجربه را در نظر نمی‌گیرد. ویژگی مشخص اسکیزوفرنی است به قسمت تفکر اوتیستیک نیز مراجعه کنید.

📌 مهارت‌گسیختگی (disinhibition)

۱. رفع اثر مهارت، مانند کاهش عملکرد مهارت قشر مغز توسط الکل
۲. در روانپزشکی - آزادی بیشتر در عمل مطابق با سائق‌ها یا احساسات درونی و کم‌توجه بودن نیست به مهارت‌های تلقین شده توسط هنجارهای فرهنگی یا سوپرایگوی فرد.

📌 اختلال موقعیت‌یابی (disorientation)

کنفوزیون؛ اختلال در آگاهی از زمان، مکان و شخص (موقعیت خود نسبت به سایر اشخاص)، ویژگی مشخص اختلال شناختی است.

📌 حواس‌پرتی (distractibility)

ناتوانی برای تمرکز توجه؛ بیمار تکالیف محول را انجام نمی‌دهد. اما به پدیده‌های غیرمرتبط در محیط توجه نشان می‌دهد.

📌 دیزآرتری (dysarthria)

اشکال در تکلم و تلفظ که فعالیت حرکتی شکل دادن آواها به گفتار است و نه پیدا کردن کلمات یا دستور زبان

📌 دیسکینزی (dyskinesia)

اشکال در انجام دادن حرکات در اختلال خارج‌هرمی مشاهده می‌شود.

📌 دیسفوری (dysphoria)

احساس ناخوشایندی یا ناراحتی؛ خلق کسی که به‌طور کلی ناراضی و بیقرار است. در افسردگی و اضطراب مشاهده می‌شود.

📌 دیستونی (dystonia)

اختلال حرکتی خارج‌هرمی شامل کندی؛ انقباض مداوم عضلات محوری یا جانبی؛ معمولاً یک حرکت غالب است. که منجر به انحراف نسبتاً مداوم وضعیتی می‌شود؛ واکنش حاد دیستونیک (شکلک در آوردن در صورت، تورتیکولی)، گاهی با شروعی درمان دارویی آنتی‌پسیکوتیک مشاهده می‌شود.